



قال رسول الله ﷺ:

﴿إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا فَلْيُتَقِنْ﴾

الكافي، ج ۳، ص ۲۶۳

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظایفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

پرهیز از استبداد در رأی

شناسنامه مطلب	
m-t-21	کد مطلب
مهارتی/تشکیلاتی/مبانی و اصول/مولفه‌های تشکیلات توحیدی/وظایف مدیر	رده
استبداد، دستور، خود رأی، حاکم طاغوتی، امام خامنه‌ای	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

مقام معظم رهبری درباره وجود روحیه استبداد در رای یک مسئول می‌فرمایند:

«حضرت می‌فرمایند «و لا تقولن انی مؤمر آمر فاطاع»^۱؛ این طور نباشد که تو بگویی چون در این کار به من مسئولیت سپرده شد، من باید دستور بدهم و دیگران از من اطاعت کنند. «لا تقولن» یعنی با تأکید و مبالغه می‌گوید مبدا چنین فکری بکنی و چنین حرفی بزنی. این روحیه که من اینجا چون مسئولیتی دارم، باید بگویم و دیگران بی‌چون و چرا حرف من را گوش کنند، «ادغال فی القلب» است؛ دل تو را فاسد می‌کند. «و منهکة للدين». منهکه، یعنی ضعیف‌کننده‌ی روح دین، دین‌داری و ایمان انسان. «و تقرب من الغير» این حالت، تغییرات ناخواسته را نزدیک می‌کند. اعجاب به نفس و غرور و اینکه در مسئولیتی که من هستم، کسی نباید روی حرف من حرف بزند، از آن چیزهایی است که تغییر را نزدیک می‌کند؛ تغییراتی که برای انسان نامطلوب است؛ تغییرات زمانه که آدم نمی‌خواهد پیش بیاید؛ یعنی مُلک و دولت و اقتدار و توانایی و فرصت‌های خدمت را از انسان می‌گیرد»^۲.

«استبداد واضح‌ترین نشانه حاکم طاغوتی است. معنای استبداد این است که آن کسی که اداره‌ی جامعه به دست اوست، فقط به رأی خود و میل خود متکی باشد. رأی دیگران، مخصوصاً میل مردمی که زمام امور آنها به دست اوست، در تصمیم‌گیری‌های او تأثیری نداشته باشد. مهم نیست برای او که مردم چه می‌گویند و چه می‌خواهند؛ مهم این است که رأی و نظر خود او چیست، او چه می‌خواهد و چه می‌گوید. استبداد به رأی برای اداره یک خانه عیب است، چه برسد برای اداره یک جامعه و یک کشور. طبیعی است، وقتی که یک آدم با رأی خود، با میل خود، با احساسات و غرائز و عواطف و هواهای نفسانی خود بخواهد ملت را اداره بکند، دچار اشتباه خواهد شد. غفلت‌ها، مستی‌های گوناگون، بی‌خبری‌ها، غرض‌ورزی‌ها در اداره امور کشور دخالت خواهد کرد و مصلحت مردم و مصلحت جامعه گم خواهد شد و مردمی که برای رسیدن به تکامل و صلاح و اخلاق عالیه و

۱- نهج البلاغه نامه امیرالمومنین علیه السلام به مالک اشتر

۲- (۱۳۸۴/۰۷/۱۷)، بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت

رها کردن پستی‌ها و بدی‌ها و زشتی‌ها آفریده شده‌اند، در آن جامعه‌ای که اداره آن به دست یک رأی یا آرای محدود یک عده آدم مستبد و خود رأی باشد، از این آینده لازم که وسیله کمال آنهاست دور خواهد افتاد و این بزرگترین بلا به جان انسان‌هاست و در طول تاریخ، هر جا که شما انحراف و بدبختی برای مردم سراغ دارید، اگر کاوش کنید، یکی از عوامل عمده و گاهی تنها عامل برای بدبختی مردم، استبداد و دیکتاتوری زمامداران آن مردم بوده است. آدم مستبد عیبش این نیست که مشورت نمی‌کند، مشورت هم نمیتواند گرهی از کار آن مردمی باز کند که در رأس امور آنها افراد مستبدی قرار دارند. کسانی که به میل خودشان رفتار می‌کنند و اراده و تمایلات و عواطف خودشان برای آنها حجت است، اولاً فرصت نظردهی آزاد برای کسی نمی‌گذارند، اگر هم کسی جرأت کرد و خطر کرد و نظری برخلاف رأی آنها داد، آن نظر را نمی‌پذیرند. پس اینکه مستبدین عالم مشاورینی هم داشته باشند، مشکل را حل نمی‌کند. مشکل به شکل دیگری باید حل بشود در اداره امور انسان‌ها»^۱.